



هدف‌گذاری تربیت جنسی برای مدارس دوره ابتدایی با نظر به آموزه‌های اسلامی

رضا حاجی‌پور باقری^۱ | علیرضا صادق‌زاده قمصری^۲ | محسن ایمانی نایینی^۳
محسن فرمهینی فراهانی^۴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.62.8.3

شماره
۶۲

سال سی و دوم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱/۱۵

صص: ۲۴۶ - ۲۲۱

شابا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
لکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۴۴۵



چکیده

«هدف‌گذاری تربیت جنسی برای مدارس دوره ابتدایی با نظر به آموزه‌های اسلامی» و به عبارت دیگر، تعیین هدف نهایی، اهداف میانی و اهداف جزئی تربیت جنسی برای این دوره تحصیلی، هدف اصلی این پژوهش است. اهداف تربیت جنسی، ویژگی‌هایی در ساحت جنسی متربی‌اند که فرایند تربیت در پی تحقق آنها است. تعیین این اهداف در محیط‌ها و دوره‌های سنی مختلف، نقشه راه تربیت را تا حد زیادی ترسیم می‌کند. روش پژوهش، ترکیبی از روش قیاس عملی و روش اجتهادی است. جامعه تحقیق همه آیات و روایات مرتبط با امر جنسی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و اهداف تحصیلی مصوب سال ۱۳۹۷ است. نمونه‌گیری صورت نگرفته و نمونه با جامعه یکسان است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، هدف نهایی تربیت جنسی در دوره ابتدایی، بر اساس آموزه‌های اسلامی «صیانت کودک از بلوغ جنسی زودرس و انحراف جنسی و ایجاد آمادگی برای زندگی عقیفانه در آینده» است. اهداف میانی در این دوره عبارتند از: احساس خودارزشمندی، خویش‌داری، حیا و صیانت از سوء استفاده جنسی. اهداف جزئی در سه دسته اهداف شناختی مانند آشنایی با الگوهای عینی حیا و عفاف، اهداف گرایشی مانند علاقه به حیا، عفاف و پوشش مناسب و اهداف رفتاری-مهارتی مانند خویش‌داری در امور روزمره، صورت‌بندی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نوجوانان؛ استقلال؛ تصمیم‌گیری؛ تربیت؛ فقه تربیتی.

۱. نویسنده مسئول: علوم تربیتی/فلسفه تعلیم و تربیت دانشجوی دکتری علوم انسانی تربیت مدرس قم ایران
Email: Re.hajipoorebaghery@gmail.com

۲. علوم تربیتی/فلسفه تعلیم و تربیت دانشیار علوم انسانی تربیت مدرس تهران ایران

۳. علوم تربیتی/فلسفه تعلیم و تربیت دانشیار علوم انسانی تربیت مدرس تهران ایران

۴. علوم تربیتی/فلسفه تعلیم و تربیت دانشیار علوم انسانی شاهد تهران ایران

استناد: حاجی‌پور باقری، رضا و صادق‌زاده قمصری، علیرضا و ایمانی نایینی، محسن و فرمهینی فراهانی، محسن (۱۴۰۳)، هدف‌گذاری تربیت جنسی برای مدارس دوره ابتدایی با نظر به آموزه‌های اسلامی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲(۶۲)، ۲۴۶ - ۲۲۱.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.62.8.3>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندهگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

تئوری اثر پروانه‌ای اگر در مورد دنیای خارج از وجود انسان درست نباشد، در مورد دنیای درون انسان صحیح است. انسان موجودی است پیچیده، با درهم‌تنیدگی بی‌نظیر بین اجزاء وجودی، که تغییری کوچک در یک بخش می‌تواند منشأ تغییرات گسترده در کل وجود او گردد. این مسأله در مورد غریزه جنسی نسبت به بخش‌های دیگر بسیار شدیدتر از ساحت‌های دیگر وجود اوست. غریزه جنسی با غرایز دیگر در موارد متعدد تفاوت دارد. از جمله: قدرت و تأثیر بیشتر، افزایش میل در صورت پاسخ‌گویی زیاد، اجتماعی و اشتراکی بودن بهره‌مندی از آن، گستردگی آثار دنیوی و اخروی ناشی از انحراف این غریزه (مرویان، ۱۳۹۵: ۳۳-۳۴). آن درهم‌تنیدگی و این تفاوت‌ها اهمیت تربیت جنسی را به‌روشنی نشان می‌دهد. همچنین تعدادی از آیات قرآن کریم (آل عمران/۱۴، نساء/۱۵-۱۶، ۲۲-۲۸، اعراف/۸۱، انبیاء/۹۱، نمل/۵۴-۵۵، یوسف/۲۳-۳۵، مؤمنون/۵-۷، احزاب/۳۵، ۵۲، ۵۹، نور/۲-۱۷، ۳۰-۳۵، ۵۸-۶۰، تحریم/۱۲، معارج/۲۹-۳۱) و روایات بسیار زیادی به تعدیل و تنظیم مناسب این غریزه توجه نموده‌اند.

نیز بسیاری از ناآرامی‌ها و ناتوانی‌ها در ساحت‌های دیگر وجود انسان‌ها و بسیاری از منازعات خانوادگی و اجتماعی، برآمده از آن انحراف در غریزه جنسی است (ثابت، ۱۳۹۶: ۲۰، ۳۲، ۳۵). زمان فوران این غریزه، نکته دیگری است که اهمیت پرداختن به این غریزه را بیشتر می‌کند. این غریزه در دوره‌ای از زندگی انسان‌ها در اوج است که نیروهای دیگر آنها نیز در اوج است و بهترین زمان برای پرورش و بهره‌گیری از سایر ساحت‌هاست. این هم‌زمانی تأثیر مخرب کج‌روی این غریزه بر کل زندگی انسان را بیشتر می‌کند.

از سوی دیگر، در مقیاس بزرگ‌تر و در بیرون از دنیای درون انسان و درون یک جامعه، امر جنسی علاوه بر ابعاد اخلاقی و اجتماعی، جنبه سیاسی و بین‌المللی نیز پیدا کرده و حتی به مثابه ابزاری برای تسلط یک فرهنگ بر فرهنگ‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته و به صورت نمادی برای پیروزی و شکست در تقابل فرهنگ مسلط جهانی با فرهنگ‌های ملی درآمده است. همه این نکات در کنار فروریختن موانع دسترسی انسان‌ها به‌ویژه کودکان به اطلاعات جنسی، ضرورت توانمندسازی درونی افراد به‌خصوص کودکان در این ساحت را اثبات می‌کند. این توانمندسازی

جز با تربیت جنسی، قابل انجام نیست. در این خصوص همکاری و هماهنگی نهادهای مختلف از جمله خانواده، رسانه و آموزش و پرورش ضروری به نظر می‌رسد؛ ولی آموزش و پرورش و مدرسه به عنوان متولی رسمی تربیت باید نقش ویژه‌ای در این امر ایفا کند. از سوی دیگر، تربیت جنسی در مدرسه، مخصوص متریان در نزدیکی سن بلوغ و بعد از آن (دوره متوسطه) نیست بلکه به نظر می‌رسد تربیت جنسی (به معنای گسترده آن) باید از بدو ورود به مدرسه، در کنار ساحت‌های دیگر تربیت آغاز شود.

در این زمینه، تعیین اهداف فرایند تربیت جنسی در مدارس، یکی از مهم‌ترین مراحل تدوین برنامه‌های موردنظر با جهت‌گیری اسلامی به شمار می‌آید؛ که مراجعه به متون اسلامی مرتبط با تربیت جنسی از یک سو و تحلیل و بررسی اهداف تربیت مدرسه‌ای در نگرش اسلامی از منظر ارتباط با بحث تعدیل و تنظیم رفتارهای جنسی از سوی دیگر، می‌تواند ما را در خصوص شناسایی مجموعه‌ای از اهداف مشخص برای تربیت جنسی در مدارس کمک نمایند. البته چنان‌که می‌دانیم تعیین اهداف انواع تربیت عموماً در نظام تربیت مدرسه‌ای متناسب با ویژگی‌های مشترک متریان در مراحل رشد و برحسب دوره‌های ابتدایی و متوسطه انجام می‌شود و سپس محتوا و روش‌های تربیتی مناسب، را با عطف توجه به اهداف هر دوره بر حسب پایه‌های سالانه، طراحی و تنظیم می‌کنند و در نهایت پس از اجرای برنامه‌های تربیتی توسط معلمان، میزان موفقیت برنامه‌های مدارس ابتدایی و متوسطه، با ملاحظه میزان تحقق اهداف مربوط به هر دوره، ارزیابی می‌شود.

تأمل در پیشینه موضوع تربیت جنسی با رویکرد اسلامی، آشکار می‌کند که علی‌رغم لزوم توجه به این بحث در فضای مدرسه، تحقیقات معدودی، توصیف و تبیین رویکرد اسلامی به تربیت جنسی کودکان و نوجوانان در محیط‌های آموزشی را مورد توجه قرار داده‌اند. چنان‌که در کشور ما با ملاحظه آسیب‌شناسی رفتارهای نابهنجار نسل جوان و ریشه‌یابی آنها، پرداختن به مسأله تربیت جنسی توسط نظام تربیت مدرسه‌ای در سال‌های اخیر، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌های مختلفی بر اثبات ضرورت تربیت جنسی در مدارس با رویکرد اسلامی و ایرانی متمرکز شده‌اند (ابراهیمی هرستانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۰) و یا با مفروض گرفتن لزوم توجه برنامه مدارس به این نوع تربیت، ابعاد گوناگون آن را خصوصاً در مطالعات پیمایشی و توصیفی بررسی نموده‌اند (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۳؛ محمدی و مرزوقی، ۱۳۹۱؛ محمدجانی و

همکاران، ۱۳۹۷؛ محمدیگی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ابطحی و همکاران، ۱۳۹۹). این پژوهش‌ها اگرچه در مجموع جامعیت خوبی دارند، ولی کاستی‌هایی نیز در آن‌ها دیده می‌شود. برخی از این کاستی‌ها و کژی‌ها عبارتند از: سطح‌بندی نکردن اهداف در قالب هدف نهایی، اهداف میانی و جزئی؛ بیان اجمالی و عدم ارائه اهداف جزئی به تفصیل و متناسب با دوره ابتدایی در بعضی موارد، کم‌توجهی به موارد مهمی از اهداف مستقیم و غیرمستقیم تربیت جنسی از جمله احساس خودارزشمندی بر اساس آیات و روایات، بیان برخی اهداف تحت تأثیر رویکرد غیر اسلامی و غیر مطابق با رویکرد اسلامی، کم‌توجهی به اسناد بالادستی آموزش و پرورش و ... در نتیجه می‌توان با تکیه بر نتایج این تحقیقات، ضرورت تربیت جنسی در مدارس با رویکرد اسلامی را امری مسلم دانست که لازم است بنا بر این فرض، گام‌های بعدی را در تدوین برنامه مناسب تربیت جنسی در مدارس با رویکرد اسلامی برداریم. بنابراین پژوهش حاضر سعی دارد ضمن بهره‌مندی از یافته‌های ارزشمند این پژوهش‌ها در حد توان کاستی‌های آنها را برطرف کند. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از «اهداف تربیت جنسی برای مدارس دوره ابتدایی با نظر به آموزه‌های اسلامی کدامند؟» و پرسش‌های فرعی عبارتند از: «هدف نهایی تربیت جنسی برای مدارس دوره ابتدایی با نظر به آموزه‌های اسلامی چیست؟» «اهداف میانی تربیت جنسی برای مدارس دوره ابتدایی با نظر به آموزه‌های اسلامی کدامند؟» اهداف جزئی تربیت جنسی برای مدارس دوره ابتدایی با نظر به آموزه‌های اسلامی کدامند؟

مبانی نظری

در هدف‌گذاری تربیت جنسی در دوره ابتدایی، سه عامل زیر لحاظ شده است: ۱. مبانی و اصول تربیت جنسی در رویکرد اسلامی؛ ۲. ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان؛ که در تعیین این ویژگی‌ها عمدتاً از روان‌شناسی رشد استفاده می‌شود، ولی باید توجه داشت که نظریات رشدی دائماً در حال تغییر و تکمیل‌اند و در تکیه بر آن‌ها باید به مواردی که بیشتر مورد اطمینان هستند و با مسلمات دینی معارض نیستند، اکتفا کرد. ۳. اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش، شامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و اهداف تحصیلی دوره‌های مختلف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۷).

توضیح عامل اول این که در اسلام و ادیان توحیدی دیگر، آزادی به معنایی که امروزه در غرب از آن سخن گفته می‌شود، وجود ندارد؛ بلکه همه قوانین در چارچوب توحید و مبتنی بر توحید هستند و آزادی از عبودیت خداوند متعال پذیرفته نیست. در رویکرد اسلامی توحید، اساس همه ارزش‌ها و خلاصه آنهاست و همه ارزش‌ها، بسط یافته توحیدند. و این اولین و مهم‌ترین نقطه جدایی نظام و جامعه اسلامی از نظام و جامعه غیر دینی (سکولار) است. بنابراین امور و اعمال در چارچوب احکام دینی که بسط یافته توحیدند مجاز است؛ در نتیجه تکثرگرایی ارزشی در رویکرد اسلامی قابل پذیرش نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۱۶، ج ۱، ص ۶۲، ج ۴، ص ۱۰۹؛ مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، ص ۴۳۵). به عبارت دیگر در رویکرد اسلامی «خداوند» و «خواست خداوند» محور همه کارها است و لازم است انسان به خواست خدا عمل کند. و اگر تعارضی بین «خواست انسان» و «خواست خداوند» پدید آمد این «خواست خداوند» است که مقدم است. قرآن کریم از کسانی که «خواست خود» را «خدای خود» قرار می‌دهند به شدت انتقاد می‌کند: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» «آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده‌ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می‌تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟! (جائیه/۲۳)». البته عمل به «خواست خداوند» و تقدیم آن بر «خواست انسان»، به سعادت انسان منجر می‌شود؛ اگرچه ممکن است آزادی‌ها و خوشی‌های زودگذر او محدود شود. به عبارت دیگر با عمل به خواست خداوند متعال، خواست‌های واقعی و دائمی انسان نیز تأمین می‌شود.

در طی قرون گذشته در جوامع غربی نیز مانند مشرق زمین نگاه ارزشی و اخلاقی بر نوع مواجهه با گزینه جنسی حاکم بوده و بر اساس معیارهایی مقبول، رفتارهای جنسی خاصی، امور بهنجار و رفتارهایی نیز نابهنجار دانسته می‌شد. اما از اوایل قرن بیستم و به طور خاص از حدود نیمه دوم این قرن، این نگاه ارزش‌مدارانه به مسائل جنسی در جوامع غربی کنار گذاشته شده و بر اساس اصل لذت‌جویی ناشی از لیبرالیسم، عمل لذت‌جویانه (فارغ از ملاحظه ارزش‌های اخلاقی و سنن دینی) به همراه حفظ سلامت جسمی، به تدریج به عنوان ملاک و معیار حاکم بر روابط جنسی قرار

گرفت؛ به گونه‌ای که اکنون در بسیاری از این جوامع حتی هم‌جنس‌گرایی و رابطه جنسی با حیوانات نیز رفتاری بهنجار در بهره‌مندی از غرایز جنسی به حساب می‌آید. طبیعتاً این تغییر نگاه و نگرش، در مباحث تربیت جنسی در فرهنگ غربی رایج نیز تأثیر گذاشته و هدف تربیت جنسی را به چگونگی صیانت از صدمات روحی و جسمی ناشی از رابطه جنسی و به عبارت دیگر سلامت جنسی تقلیل داده و لذا عمده ارزش‌های الهی و انسانی در این عرصه به فراموشی سپرده شده است. البته باید توجه نمود که با حاکمیت نظام ارزشی لیبرال و تلاش گسترده برای غربی‌سازی فرهنگ جوامع معاصر، این تغییر بنیادین رویکرد از تربیت جنسی ارزش‌مدار به تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزش جنسی سلامت‌محور در مدارس صورت گرفته است و با وجود چالش‌های فراوان در برابر این گونه برنامه‌ها، متأسفانه به شکلی هدفمند توسط نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل و زیرمجموعه‌های آن دنبال شده است تا به تدریج به منزله امری بهنجار و متعارف به نظام آموزشی همه ملت‌های جهان تحمیل شود. تدوین برنامه جامع تربیت جنسی توسط یونسکو، گامی مهم در این راستا می‌باشد و تالیف و ترویج کتابهایی نظیر «لک‌لکی در کار نیست» نمونه‌ای از آموزش بی‌پرده مسائل جنسی به کودکان خردسال و تحمیل این نگاه به انسان و جهان، به ملت‌های مختلف و فرهنگ‌های متفاوت است (احمدی، ۱۳۹۷: ۲۱-۲۶، ۶۰). روشن است که نگرش اسلامی با این تغییر رویکرد به تربیت جنسی و تقلیل آن به آموزش مسائل جنسی صرفاً با جهت‌گیری سلامت‌مدار تعارض آشکار دارد و لذا باید اذعان نمود که در جوامع مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، با وجود این که توجه به اصل تربیت جنسی صحیح در مدارس امری بسیار لازم به نظر می‌رسد، تدوین و اجرای برنامه تربیت جنسی در مدارس نمی‌تواند بدون التزام به رویکرد اسلامی دنبال شود.

با توجه به مجموع آموزه‌های قرآن و روایات، می‌توان تربیت جنسی در رویکرد اسلامی را چنین تعریف کرد: «زمینه‌سازی تربیتی برای فعالیت جنسی فرد در چارچوب ازدواج و اجتناب از هرگونه فعالیت جنسی خارج از این چارچوب» (ر.ک: مطهری، بی‌تا: ۱۹: ۴۳۲). مقصود از «فعالیت جنسی» در این تعریف، هر نوع عمل اختیاری مربوط به فعلیت یافتن گزینه جنسی در وجود انسان و مراد از تعبیر «زمینه‌سازی تربیتی» نیز هرگونه تدبیر و اقدام ناظر به فراهم آوردن مقدماتی در وجود متریبان (نظیر کسب دانش و بینش، نگرش، انگیزه، اراده و حتی عادات رفتاری)

است که برای انجام فعالیت جنسی مطلوب و یا پرهیز از فعالیت جنسی نامطلوب مورد نیاز باشند. بنابراین تربیت جنسی در این معنای عام، معادل آموزش مسائل جنسی نیست؛ اگرچه ممکن است گاهی مشتمل بر آن نیز باشد. چنان که تربیت جنسی بنا بر این تعریف، مخصوص سن بلوغ و بیداری غریزه جنسی نیست؛ بلکه مستلزم انواع زمینه‌سازی‌های مورد نیاز در سنین قبل از بلوغ است. از این رو باید توجه نمود که انجام این فرآیند پیچیده و دشوار، از عهده یک نهاد خارج است و تعامل همه نهادهای تأثیرگذار در تربیت نسل جوان را طلب می‌کند.

در این پژوهش، مقصود از اهداف تربیت جنسی با رویکرد اسلامی در یک دوره تحصیلی، عبارتند از: ویژگی‌های مطلوبی که متریان در هنگام خروج از این دوره در جهت تنظیم فعالیت‌های جنسی خود -در زمان حال یا آینده- بر اساس معیارهای اسلامی کسب نموده‌اند (اهداف مستقیم) و یا ویژگی‌هایی که به هدایت و تنظیم فعالیت‌های جنسی حال و آینده ایشان بر همین اساس کمک قابل توجهی نمایند (اهداف غیر مستقیم). از سوی دیگر بنا بر یک تقسیم‌بندی، اهداف تربیت و از جمله تربیت جنسی و تربیت جنسی در مدرسه به هدف نهایی، اهداف میانی و اهداف جزئی قابل تقسیم است. هدف نهایی تربیت جنسی نتیجه‌ای است که تحقق آن مقصود اصلی از این نوع تربیت می‌باشد و البته به تدریج و بر حسب مراحل تربیت جنسی محقق می‌گردد. اهداف میانی تربیت جنسی در مدارس، اهدافی هستند که برای مخاطبان حاضر در هر دوره تعیین شده و عموماً جنبه مشترک دارند؛ یعنی تحقق آنها برای هر دو جنس باید پیگیری شود. اهداف جزئی تربیت جنسی مجموعه‌ای از خصوصیات هستند که در راستای تحقق هدف نهایی و اهداف میانی یادشده بایستی پیگیری شوند و به بیان دیگر مقدمات و لوازم وصول به اهداف میانی و هدف نهایی تربیت جنسی می‌باشند و ممکن است در مواردی برای هر دوره و پسران و دختران متفاوت باشند.

پیشینه تحقیق

در ایران پژوهش‌های اندکی به تربیت جنسی و تعیین اهداف آن در دوران دبستان پرداخته‌اند. فرمehنی فراهانی (۱۳۸۷) اهدافی از جمله: تقویت مبانی دینی و اخلاقی، ثبات هویت جنسی و رضایت از جنسیت؛ آشنایی با علائم بلوغ به‌ویژه برای دختران، مقدمات نماز (وضو، غسل و تیمم)، حجاب، محرم و نامحرم، ساختمان و کار اعضای جنسی گیاهان و حیوانات و راهکارهای صیانت از خود را از اهداف تربیت جنسی در این دوره دانسته است. در پژوهش پدیدارشناسانه محمدیگی، فقیهی و ناطقی (۱۳۹۶) اهداف برنامه تربیت جنسی در دوره‌های ابتدایی از نظر چند

تن از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها این‌طور گزارش شده است: اهداف تربیت جنسی در حوزه دانشی عبارتند از: توانایی ارزیابی سنت‌ها، آداب و اعتقادات، شناخت قواعد و هنجارهای تعیین‌کننده رفتار جنسی، انتقال میراث فرهنگی با توجه به فرهنگ ایرانی-اسلامی، شناخت خصوصیات تفاوت‌های جنسیتی، آشنایی با مفاهیم اخلاقی مانند حیا، عفاف و محجوبیت، شناخت تکالیف و مسئولیت‌پذیری و در حوزه نگرشی عبارتند از: درک ارزشهای اخلاقی و احترام به هویت جنسی خود، احساس حضور در برابر خدا، شرکت در مراسم عبادی و همچنین درک آفرینش هدفمند مبتنی بر تفاوت‌های جنسی و توجه به ابعاد روحانی و معنوی در تربیت جنسی و در حوزه مهارتی عبارتند از: دارا بودن مهارت‌های لازم زندگی از جمله مهارت‌های ارتباطی، مهارت تصمیم‌گیری و تفکر و مهارت بهداشت و سلامت. قبادیان، دهقان و شمخانی (۱۳۹۶)

هدف تربیت جنسی کودکان در رویکرد اسلامی را رشد جنسی آن‌ها به‌طور طبیعی و سالم و صیانت از بروز ناهنجاری، بلوغ زودرس و انحراف جنسی می‌دانند. از نظر شریفی و همکاران (۱۳۹۷: ۲۰-۲۱) اهداف تربیت جنسی در سنین ۶ تا ۹ سالگی عبارتند از: ۱. دانستن مطالبی درباره این که نوزادان از کجا می‌آیند؛ چگونه وارد بدن مادر می‌شوند و چگونه از آن خارج می‌شوند. ۲. آگاهی از تفاوت بین دو جنس و توانایی استفاده از واژگان صحیح برای اشاره به اندام تناسلی خود و جنس مخالف. ۳. درک مفاهیم دوستی و حفظ فاصله از دیگران و مراقبت از خود و دیگران. ۴. پیدا کردن مسئولیت روزافزون نسبت به سلامت کلی و نیازهای ایمنی بدن خود. ۵. مهارت در میان گذاشتن احساسات خود با والدین یا دیگر بزرگ‌سالان معتمد. ۶. مهارت دوست شدن هم‌جنس خود و حفظ دوستی‌ها؛ و در سنین ۹ تا ۱۲ سالگی عبارتند از: ۱. آشنایی با تغییرات طبیعی دختران و پسران در دوران بلوغ مانند عادت ماهیانه و احتلام. ۲. درک روند تولید مثل و مفاهیمی مانند بچه‌دار شدن و پدر و مادر شدن. ۳. تداوم درک مفهوم خصوصی بودن برخی اعضای بدن. ۴. درک مفهوم سوءاستفاده جنسی، نحوه تشخیص آن و نحوه رفتار در موقعیت‌های بالقوه خطرناک. ۵. درک جنسیت به عنوان بخشی طبیعی از زندگی. ابطحی و همکاران (۱۳۹۹)

الگوی مختصری را برای تربیت جنسی دوره ابتدایی پیشنهاد کردند که بیشتر ناظر به پسران است. در این الگو موارد زیر به عنوان اهداف تربیت جنسی پایه‌های مختلف این دوره مطرح شده‌اند: آشنایی با مفهوم حریم شخصی (برای همه پایه‌ها)؛ شناخت اقتضانات جنسیتی و مسئولیت‌پذیری در خانه مطابق جنسیت برای تقویت هویت جنسیتی (برای پایه اول و دوم)؛ علاوه بر دو مهارت مهارت مذکور در پایه اول و دوم، مهارت ارتباط مؤثر با دوستان و مهارت مدیریت افکار مزاحم ذهنی در موارد خاص (برای پایه سوم و چهارم)؛ مهارت ارتباط مؤثر با دوستان، مهارت انطباق با استرس و مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری با رویکرد مشکلات احتمالی در مقوله جنسی، مهارت

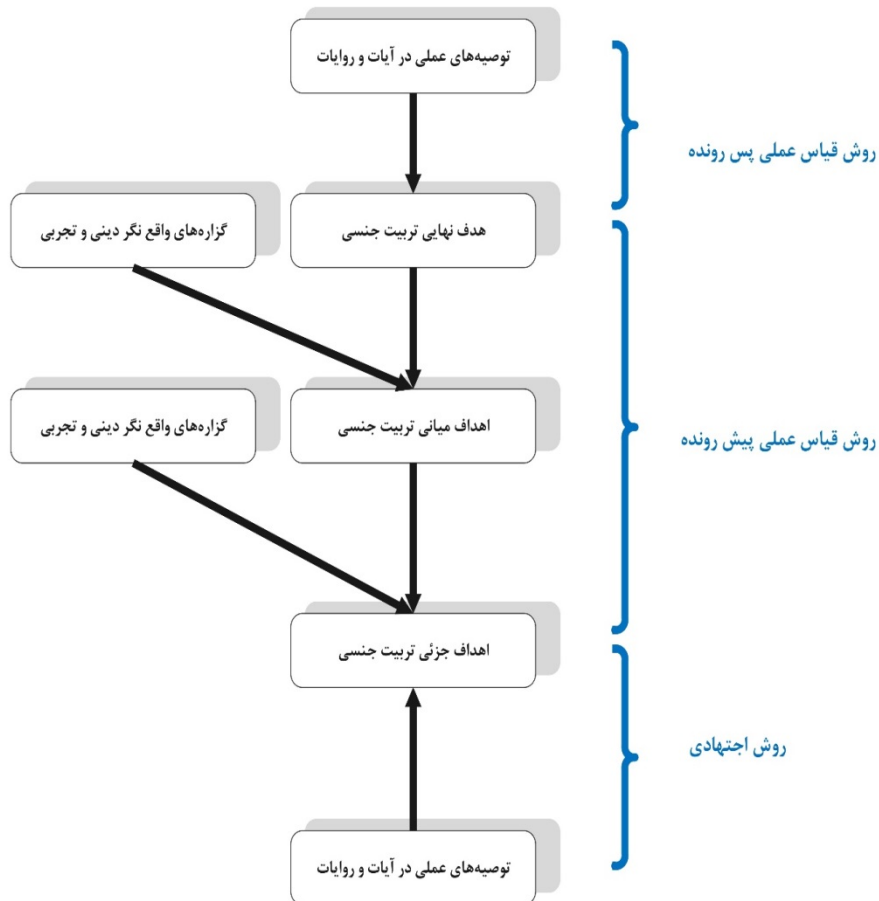
تسلط بر هیجانان نفسانی و توجه به ارزش جهاد با نفس، مهارت تمییز خیال‌بافی رسانه‌ای از واقعیات زندگی، شناخت تأثیر تخیلات بر جسم و روح و کسب مهارت کنترل خیال و توجه، مهارت مقابله با وسوسه‌های نفسانی و شیطانی و شناخت موقعیت‌های رشد و سوسه، مهارت‌های مدیریت قلب و ذهن از قبیل ذکر و توسل، مهارت کنترل اضطراب‌های روانی، داشتن الگوهای مناسب معنوی و اخلاقی، آشنایی با زمینه‌های ایجاد و بروز هیجانان جنسی، مهارت اعتماد به بزرگتر برای مشورت در مشکلات جنسی و جنسیتی، داشتن روحیه تقوا و خویش‌داری و حیا مطابق آموزه‌های دینی، شناخت نسبت به ضعف‌ها و توانمندی‌های شخصیتی خود، شناخت پیامدهای نامطلوب انحرافات جنسی، آشنایی با علائم جسمی و روحی بلوغ و نحوه مدیریت آن، داشتن هدف مشخص در زندگی و تحصیل و عزم و برنامه برای دستیابی به آن‌ها (برای پایه پنجم و ششم).

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش توسعه‌ای است و با شکل‌دهی الگوی مناسب سعی در بهبود وضعیت موجود دارد. روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از روش قیاس عملی (باقری، ۱۳۸۹: ۱)؛ ۴۶-۶۴) و روش اجتهادی معمول در حوزه‌های علمیه است. به این صورت که اهداف میانی و بخشی از اهداف جزئی به روش قیاس عملی استنتاج شده است. هدف نهایی و برخی اهداف جزئی از آیات و روایات به صورت مجموعی یا تک تک به روش اجتهادی استنباط شده است و سپس با روش قیاس عملی، از گزاره‌های توصیه‌ای در این متون، گزاره‌های هدفی استنتاج شده است. روش قیاس عملی، روشی است که در آن از ترکیب دو مقدمه که یکی هنجاری و دیگری توصیفی است، نتیجه‌ای که هنجاری است تولید می‌شود. به خلاف روش قیاس نظری که از ترکیب دو مقدمه توصیفی، نتیجه‌ای توصیفی حاصل می‌شود. از روش قیاس عملی به دو شکل استفاده می‌شود: پس‌رونده و پیش‌رونده. در قیاس عملی پس‌رونده، حرکت از توصیه‌ها و روش‌ها به سمت اصول، اهداف و مبانی صورت می‌گیرد. مانند این که از مجموعه توصیه‌های رفتاری به کودک، هدف «صیانت از انحراف جنسی» استنتاج می‌شود. ولی در شکل پیش‌رونده از هدف نهایی، اهداف میانی و جزئی و یا اصول و روش‌ها کشف می‌شود. در پژوهش حاضر از هر دو شکل قیاس عملی استفاده شده است. به عنوان مثال: گزاره هنجارین برگرفته از هدف نهایی تربیت جنسی در دوره ابتدایی یعنی «کودک باید از بلوغ زودرس و انحراف جنسی صیانت شود» در کنار گزاره توصیفی تجربی و الاهیاتی یعنی «احساس خودارزشمندی در جلوگیری از بلوغ زودرس و انحراف جنسی مؤثر است» قرار گرفته و از ترکیب آن‌ها گزاره هنجارین یعنی «در دوره ابتدایی

برای صیانت کودک از بلوغ زودرس و انحراف جنسی باید احساس خودارزشمندی در او تقویت شود» به عنوان هدف میانی تربیت جنسی در دوره ابتدایی استنتاج شده است. اما اهداف جزئی عموماً با ملاحظه اهداف جزئی تربیت جنسی مطرح در تحقیقات پیشین و بررسی و احراز تناسب و سازگاری آنها با آموزه‌های اسلامی و نیز آموزه‌های موجود در آیات و روایات شناسایی شده‌اند. جامعه تحقیق، همه آیات و روایات مرتبط با امر جنسی است و با توجه به لزوم نگاه مجموعی به آیات و روایات برای استنباط اهداف تربیت جنسی، نمونه‌گیری صورت نگرفته است. مدل مفهومی روش پژوهش را می‌توان در نمودار زیر خلاصه کرد:

«مدل مفهومی روش پژوهش»



یافته‌ها

هدف نهایی تربیت جنسی در دوره ابتدایی

همان‌طور که در مبانی نظری گذشت بر اساس مجموعه آموزه‌های قرآن کریم و معصومین علیهم السلام، تربیت جنسی را می‌توان «زمینه‌سازی تربیتی برای فعالیت جنسی فرد در چارچوب ازدواج و اجتناب از هرگونه فعالیت جنسی خارج از این چارچوب» تعریف کرد. بر اساس این تعریف، می‌توان هدف نهایی تربیت جنسی در رویکرد اسلامی را «آمادگی جهت فعالیت جنسی مطلوب در چارچوب ازدواج و اجتناب از هرگونه فعالیت جنسی خارج از این چارچوب» دانست. اما هدف نهایی تربیت جنسی در مدرسه با رویکرد اسلامی در دوره ابتدایی را می‌توان «صیانت از بلوغ زودرس و انحراف جنسی و ایجاد آمادگی برای زندگی عقیفانه در آینده» دانست؛ زیرا در دوره ابتدایی به‌ویژه بخش اول آن (سنین ۶ تا ۹ سالگی)، انگیزه جنسی حالت خاموش (دبس، ۱۳۸۲: ۶۷) یا نیمه‌پنهان (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۹) دارد و تربیت جنسی در این دوره باید به جای تحریک‌گریزه جنسی، بر اقدامات پیشگیرانه و عمدتاً غیر مستقیم متمرکز باشد (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۷).

با استفاده از شکل پس‌رونده قیاس عملی، از توصیه‌ها و روش‌های موجود در آیات و روایات در مورد کودکان، هدف نهایی تربیت جنسی در مقطع ابتدایی کشف می‌شود. آیات و روایاتی که منشأ دستیابی به این هدف نهایی در دوره ابتدایی هستند را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: متون دال بر پیشگیری از تحریک جنسی زودرس در سنین کودکی، متون دال بر پیشگیری از یادگیری رفتارهای جنسی زودرس و متون دال بر آموزش رفتارهای عقیفانه (عباسی، ۱۳۹۶: ۲۳۷). این آیات و روایات روش‌هایی را پیشنهاد می‌کنند و می‌توان از این روش‌ها پی برد که هدف نهایی مذکور یعنی صیانت از بلوغ زودرس و انحراف جنسی و ایجاد آمادگی برای زندگی عقیفانه در آینده را پیگیری می‌کنند. روش‌های پیشنهادی در آیات و روایات که منشأ کشف هدف مذکور هستند را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود (همان: ۲۳۸-۲۴۲): مراقبت از پوشش کودکان و پوشش در برابر کودکان (کلینی، ۱۴۰۷: ۶؛ ۵۰۳)؛ مراقبت از حریم کودکان در ارتباط زناشویی (سوره نور، آیه ۵۸ و ۵۹)، رعایت حریم در تماس با کودکان (کلینی، ۱۴۰۷: ۵؛ ۵۳۳) و جداسازی بستر کودکان (کلینی، ۱۴۰۷: ۷؛ ۶۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۰؛ ۳۴۷).

اهداف میانی تربیت جنسی در دوره ابتدایی

اهداف زیر از اهداف میانی تربیت جنسی در دوره ابتدایی می‌باشند که باید به‌طور مستمر و همراه با تقویت و تعمیق تدریجی در جهت تحقق هدف نهایی تربیت جنسی پیگیری شوند. احساس خودارزشمندی را می‌توان هدف میانی غیرمستقیم تربیت جنسی و پرورش حیا، خویش‌داری و صیانت از سوء استفاده جنسی را می‌توان اهداف میانی مستقیم در دوره ابتدایی دانست.

احساس خودارزشمندی

قیاس عملی‌ای که نتیجه آن انتخاب احساس خودارزشمندی به عنوان هدف میانی تربیت جنسی در دوره ابتدایی است مشتمل بر دو مقدمه است: مقدمه اول، یک گزاره هنجاری و در واقع همان هدف نهایی تربیت جنسی در دوره ابتدایی است و به این صورت است که «کودک باید از بلوغ زودرس و انحراف جنسی صیانت شود». مقدمه دوم که یک گزاره توصیفی است به این صورت است که «احساس خودارزشمندی در جلوگیری از بلوغ زودرس و انحراف جنسی مؤثر است». نتیجه قیاس این است که «در دوره ابتدایی برای صیانت کودک از بلوغ زودرس و انحراف جنسی باید احساس خودارزشمندی در او تقویت شود». مقدمه توصیفی این قیاس را می‌توان طبق روایات اسلامی و پژوهش‌های تجربی توضیح داد. روایات متعددی دلالت دارند بر این که اگر انسان در خود احساس کرامت و ارزشمندی کند، از تن دادن به کارهای پست و خلاف اخلاق خودداری می‌کند و به راحتی از خواسته‌های غیر اخلاقی خود می‌گذرد و بر عکس، عدم این احساس، زمینه را برای انجام کارهای پست و خلاف اخلاق در انسان فراهم می‌کند (الشریف الرضی، ۱۴۱۴: ۵۵۵؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۲۲۶، ۴۸۳؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۲۷، ۶۳۴) این مبنا در مورد مسائل جنسی نیز جاری است. از نظر شهید مطهری (بی‌تا: ۲۲: ۵۸۶) احساس کرامت، محور اخلاق اسلامی است.

همچنین پژوهش‌های متعدد، تأثیر مثبت احساس خودارزشمندی بر بهبود جنبه‌های مختلف امر جنسی را تأیید می‌کنند (سازمان ملی جوانان، به نقل از مرویان، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در مقابل احساس خودارزشمندی پایین در تمام زمینه‌ها با اضطراب، افسردگی و افزایش رفتار ضداجتماعی ارتباط دارد (برک، ۱۳۹۲: ۱: ۵۶۰). یکی از فرایندهای تأثیر احساس خودارزشمندی بر جنبه‌های مختلف

امر جنسی را می‌توان اینطور توضیح داد که این احساس پیش‌بینی می‌کند که کودکان موضوعات درسی را چقدر مهم و جالب ارزیابی می‌کنند و چقدر مایل به تلاش کردن بوده و برای پیشرفت خود اهمیت قایل هستند (ژاکوبز و همکاران، ۲۰۰۲؛ والتین، دوبریس و کوپر، ۲۰۰۴ به نقل از برک، ۱۳۹۲: ۱: ۵۶۰). احساس خودارزشمندی کودکان دبستانی حتی با موفقیت تحصیلی آن‌ها در جوانی ارتباط دارد (گای، لاروز و بویون، ۲۰۰۴ به نقل از برک، ۱۳۹۲: ۱: ۵۶۰). از سوی دیگر عملکرد ضعیف و آرمان‌های پیش‌پاافتاده تحصیلی یکی از عوامل فعالیت جنسی در سن پایین و افزایش رفتارهای پرخطر جنسی و حضور در مدرسه، ادامه تحصیل و درگیر شدن در فعالیت‌های درسی یک از عوامل کاهش آن است (عباسی، ۱۳۹۶: ۲۳۷؛ رزاقی، ۱۳۹۳: ۷۰-۷۴).

جنبه دیگر تأثیر احساس خودارزشمندی بر امر جنسی، تأثیر آن بر کاهش سوء استفاده جنسی از کودکان است (فینکه، ۱۳۹۶: ۱۰۵-۱۰۲، ۱۲۵-۱۲۸. نوزبام و روزنفلد، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۴). یکی از فرایندهای این تأثیر به این شکل است که احساس خودارزشمندی (خوددوستی) می‌تواند «مراقبت از خود» را در برابر لغزش‌ها تقویت کند؛ زیرا هر قدر چیزی برای شخص ارزش بیشتری داشته باشد، بیشتر بخت آن را دارد که متعلق علاقه، حمایت و مراقبت او قرار گیرد (عباسی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). جنبه سوم تأثیر احساس خودارزشمندی تأثیر آن بر پدیده خودارضایی در دوران نوجوانی است. فرایند این تأثیر بدین صورت قابل توضیح است که احساس حقارت از یک سو مقاومت درونی نوجوان را در مقابل گناه از بین می‌برد و در نتیجه فرد برای جبران احساس حقارت به خودارضایی روی می‌آورد؛ و از سوی دیگر باعث دوری او از اجتماع می‌شود که خود عاملی برای خودارضایی است (شرفی، ۱۳۸۳: ۱۵۲-۱۷۷). توجه به این مطالب، لزوم قرار دادن احساس خودارزشمندی به عنوان یکی از اهداف میانی تربیت جنسی و یکی از اهداف تحصیلی در دوره ابتدایی - آنچنان که در اهداف تحصیلی مصوب ۱۳۹۷ آمده است - کاملاً قابل فهم و قابل دفاع می‌کند.

پرورش حیا

حیا صفتی است که شخص با داشتن آن در هنگام مواجهه با فعل قبیح، وقتی خود را در حضور ناظر محترم می‌بیند و در اثر ترس از ریختن آبرو، دچار انقباض روحی می‌شود و این حالت، وی را به مهار نفس وامی‌دارد و از کار قبیح منع می‌کند یا به کار نیک فرامی‌خواند (پسندیده، ۱۳۹۶:

۸۵). این ویژگی به طور فطری در انسان‌ها وجود دارد و مخصوص محیط‌های دینی نیست؛ طوری که حتی در محیطی مانند محیط آمریکا هم معمولاً بچه‌های هفت-هشت ساله دوست ندارند کسی بدن برهنه آن‌ها را ببیند (فریتاس، ۱۳۹۶: ۱۶۲-۱۶۳). البته نور این ویژگی فطری _مانند همه ویژگی‌های فطری دیگر_ خاموش شدنی است، یا اینکه در برخی فرهنگ‌ها یا موقعیت‌ها نیاز به آموزش و شکوفایی دارد (عباسی، ۱۳۹۶: ۲۶۷). در حیا چهار عنصر نقش اساسی دارند: ادراک حرمت خود، ادراک زشتی عمل نزد ناظر، ادراک حضور ناظر (یا ادراک باخبر شدن ناظر در آینده) و ادراک حرمت ناظر. بنابراین هر کدام از این عناصر از بین برود یا تضعیف شود، حیا نیز معدوم یا ضعیف می‌شود؛ و اگر تقویت و تعمیق شوند، حیا تقویت می‌شود (پسندیده، ۱۳۸۵: ۳۱-۶۲). ناظران که ادراک نظارت آن‌ها موجب حیاست، عبارتند از: انسان‌های دیگر، خود، فرشتگان الاهی، خداوند متعال (پسندیده، ۱۳۸۵: ۶۳-۹۰؛ بنی‌هاشمی، ۱۳۸۹: ۲: ۶۹-۷۷)؛ بلکه همه ذرات هستی و از جمله اعضای بدن انسان، شاهد و ناظر بر اعمال او هستند و در قیامت از گواهان خواهند بود (زلزال، ۴؛ یس، ۶۵؛ فصلت، ۲۰).

برای رسیدن به هدف نهایی تربیت جنسی لازم است صفت حیا به عنوان یک هدف میانی تربیت جنسی در کودک پرورش یابد. این هدف، نتیجه قیاس عملی با دو مقدمه است: مقدمه اول یک مقدمه هنجاری است که برگرفته از هدف نهایی تربیت جنسی در دوره ابتدایی است و عبارت است از اینکه «کودک باید از بلوغ زودرس و انحراف جنسی صیانت شده و آمادگی لازم برای زندگی عقیفانه در آینده را پیدا کند». مقدمه دوم یک مقدمه توصیفی است و عبارت است از اینکه «پرورش حیا در صیانت کودک در دوره ابتدایی از بلوغ زودرس و انحراف جنسی و نیز ایجاد آمادگی برای زندگی عقیفانه در آینده مؤثر است». نتیجه این قیاس گزاره‌ای هنجاری در قالب یک هدف میانی تربیت جنسی است و عبارت است از اینکه «برای صیانت کودک در دوره ابتدایی از بلوغ زودرس و انحراف جنسی و ایجاد آمادگی در او برای زندگی عقیفانه در آینده باید ویژگی حیا در او پرورش یابد». در توضیح مقدمه توصیفی این قیاس می‌توان گفت حیا یک خصوصیت خدادادی است که باعث می‌شود کودکان خود را از آسیب‌ها دور کنند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۷: ب: ۲۹). کودکی که ویژگی حیا در این دوره در او پرورش نیافته است از افراد بیگانه فاصله نمی‌گیرد و این مسأله او را در معرض سوء استفاده جنسی و در نتیجه انحراف جنسی

و بلوغ جنسی زودرس قرار می‌دهد. همچنین بدون پرورش حیا در این دوره، تربیت جنسی مستقیم در دوره بعد از بلوغ، کارایی و تأثیر خود را تا حد زیادی از دست می‌دهد.

خویشتن‌داری

مقصود از خویشتن‌داری توانایی پرهیز اختیاری از انجام فعل لذت‌بخش نفسانی است که با ملاحظه مصالح عقلی و یا دینی امری نامناسب و ناهنجار می‌باشد و لذا جنبه سلبی دارد و مفهوم عام‌تر خویشتن‌داری که هر دو جنبه ایجابی و سلبی را دارد و بعضاً مترادف تقوای دینی (به معنی انجام واجبات و ترک گناهان) گرفته شده است در اینجا مراد نیست. انتخاب خویشتن‌داری به این معنا به این دلیل است که مقدمه برای خویشتن‌داری جنسی می‌شود که آن هم جنبه سلبی دارد و به معنای پرهیز از لذت‌جویی جنسی نامناسب یا کاری است که منجر به لذت‌جویی جنسی نامناسب می‌شود. این لذت‌جویی می‌تواند در سطوح و انواع مختلفی از تخیل، مطالعه، استفاده از قوای ادراکی شنیداری، دیداری، بویایی و لامسه، حرکات و سکنات و لباس پوشیدن تا ارتباط جنسی باشد. در قرآن کریم (نور/۳۳) از خویشتن‌داری جنسی به «عفت» تعبیر شده است و از کسانی که امکان ازدواج (ارضای غریزه جنسی از طریق درست) ندارند خواسته شده است «عفت‌ورزی» و خویشتن‌داری کنند. از این آیه فهمیده می‌شود خویشتن‌داری یکی از راه‌های کارآمد دوری از رفتارهای نادرست جنسی است. و از آنجا که راهکار ازدواج در دوران مدرسه، جز در موارد محدود مثلاً برای برخی دختران در سال‌های آخر متوسطه فراهم نیست و نیز با توجه به لزوم خویشتن‌داری جنسی خارج از چارچوب ازدواج در همه عمر، باید خویشتن‌داری دائماً در متری تقویت و تعمیق شود. البته این تقویت و تعمیق خویشتن‌داری به تناسب سن و جنسیت با پیگیری اهداف جزئی‌تری محقق می‌شود که مقدمه تحقق خویشتن‌داری جنسی هستند.

با این توضیحات قیاس عملی‌ای که نتیجه آن انتخاب خویشتن‌داری به عنوان هدف میانی تربیت جنسی در دوره ابتدایی است مشتمل بر دو مقدمه زیر است: مقدمه هنجاری که برگرفته از هدف نهایی است و در جمله «کودک باید از بلوغ زودرس و انحراف جنسی صیانت شده و آمادگی لازم برای زندگی عقیفانه در آینده را پیدا کند» قابل صورت‌بندی است. مقدمه توصیفی این قیاس نشان‌دهنده تأثیر ویژگی خویشتن‌داری در تحقق این هدف است و به شکل «پرورش خویشتن‌داری در جلوگیری از بلوغ زودرس و انحراف جنسی و ایجاد آمادگی برای زندگی

عقیفانه در آینده مؤثر است» بیان می‌شود. نتیجه این قیاس، گزاره‌ای هنجاری به این صورت است که «برای صیانت از بلوغ زودرس و انحراف جنسی و ایجاد آمادگی برای زندگی عقیفانه در آینده پرورش خویشتن‌داری ضرورت دارد». مقدمه توصیفی قیاس مذکور به این صورت قابل توضیح است که: خویشتن‌داری، نوعی توانمندی روان‌شناختی است که پرورش آن از دوران کودکی به تدریج در انسان پدید می‌آید. این مطلب در مورد خویشتن‌داری جنسی نیز درست است؛ زیرا تنظیم رفتار در حوزه میل جنسی، قلمروی از خویشتن‌داری محسوب می‌شود (عباسی، ۱۳۹۶: ۲۳۳) زندگی عقیفانه و همراه با خویشتن‌داری در دوران بلوغ و پس از آن، زمینه‌هایی دارد که باید در دوران کودکی از جمله دوران ابتدایی پرورش یابد، برخی از این زمینه‌ها عبارتند از: تأخیر ارضا، پذیرش و پیروی، قناعت و دوراندیشی (همان: ۲۴۶-۲۶۷).

صیانت از سوء استفاده جنسی

نحوه گذراندن دوران کودکی به لحاظ جنسی تأثیرات عمیقی بر روح و جسم کودک دارد. پژوهش‌های تجربی این تأثیر را تأیید می‌کنند. از جمله نوزبام و روزنفلد (۱۳۹۱: ۶۱) می‌گویند سابقه مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفتن، یکی از عوامل فعالیت جنسی در سنین پایین است و طبق پژوهش واصفیان (۱۳۸۸) مورد تجاوز واقع شدن در دوران کودکی یکی از علل انحراف جنسی زنان است. همچنین سوء استفاده جنسی از کودک، موجب کاهش احساس خودارزشمندی او شده و این خود زمینه انحراف جنسی او را فراهم می‌آورد. با این توضیحات، مقدمه توصیفی قیاس عملی که یک گزاره واقع‌نگر تجربی است به دست می‌آید به این صورت که «صیانت از سوء استفاده جنسی در دوره ابتدایی در جلوگیری بلوغ زودرس و انحراف جنسی کودک مؤثر است». مقدمه دیگر این قیاس برگرفته از هدف نهایی تربیت جنسی در دوره ابتدایی یعنی «صیانت از انحراف جنسی» است. نتیجه قیاس، یک گزاره هنجاری به این صورت است: «برای صیانت از انحراف جنسی صیانت از سوء استفاده جنسی در دوره ابتدایی لازم است.»

اگرچه در کشورمان به دلیل گسترش فرهنگ اسلامی و انسجام خانوادگی و محافظت والدین از کودکان، به نظر می‌رسد سوء استفاده جنسی از کودکان شیوع زیادی ندارد؛ ولی عواقب شدید و طولانی‌مدت این اتفاق برای کودک، لزوم تربیت کودک برای جلوگیری از ایجاد چنین موقعیتی را با اهمیت می‌سازد. کودکان باید بدانند که هیچ کس (حتی پدر و مادر) حق دیدن کامل

بدن او را ندارد و باید بخش‌هایی خاص از بدن خود را از همه پوشاند. از آنجا که آموزش مستقیم مفهوم سوء استفاده جنسی به کودک ممکن است تبعاتی برای او داشته باشد، آموزش مهارت دوری از موقعیت‌های بالقوه خطرناک به کودک، مطلوب‌تر به نظر می‌رسد؛ امری که در روایات اسلامی به آن توجه شده است.

اهداف جزئی تربیت جنسی در دوره ابتدایی

همان‌طور که در روش پژوهش گذشت، برخی از اهداف جزئی با استفاده از شکل پیش‌رونده قیاس عملی و برخی دیگر به‌طور مستقیم از آیات و روایات و نتایج پژوهش‌های گذشته، قابل دستیابی است. در قیاس عملی که نتیجه آن اهداف جزئی است، مقدمه هنجاری، هدف نهایی یا یکی از اهداف میانی است و مقدمه توصیفی، گزاره واقع‌نگر دینی یا تجربی است که دال بر تأثیر هدف جزئی در تحقق هدف نهایی یا اهداف میانی است. در نتیجه اهداف جزئی، اجزاء یا مقدمات هدف نهایی و در راستای تحقق آن و یک یا چند هدف میانی هستند. اهداف جزئی دوره ابتدایی با تفاوتی حداقلی برای پسران و دختران_چنان‌که مقتضای دوره ابتدایی است_ در ادامه می‌آید.

۱. با مفاهیم مذهبی مرتبط با امر جنسی و مصادیق آنها، مانند مفهوم محرم و نامحرم و مصادیق آنها آشناست و احکام اصلی مربوط به آن‌ها را می‌داند. دانستن و پایبندی به این امور حریمی را برای دانش‌آموز ایجاد می‌کند که مانع سوء استفاده جنسی از او و سوء استفاده جنسی او از دیگران در سال‌های بعد می‌شود. این هدف ناظر به هدف میانی صیانت از سوء استفاده جنسی است.

۲. با مفاهیم اخلاقی مرتبط با امر جنسی مانند خویش‌داری تا حدی آشناست و مهارت‌های مرتبط با خویش‌داری را دارد؛ مثلاً دوراندیش است و قبل از انجام عمل به عواقب آن می‌اندیشد؛ صبور است (تاب‌آوری و استقامت دارد)، قانع است (مثلاً در خرج کردن) و تا حدی توانایی تأخیر ارضای امیال آنی خود برای وصول به مصالح آینده را دارد. این هدف ناظر به هدف میانی خویش‌داری است.

۳. با مناسک مذهبی مؤثر در تربیت جنسی به‌ویژه نماز و روزه آشنا و به آنها پایبند است. به نماز علاقه‌مند است و مهارت به جا آوردن نماز به‌طور صحیح را دارد. (از اهداف تحصیلی مصوب ۱۳۹۷). قرار دادن این هدف به عنوان یکی از اهداف جزئی تربیت جنسی در دوره ابتدایی از این جهت است که طبق روایات، ائمه علیهم السلام به عادت دادن کودکان به نماز از حدود هفت

سالگی سفارش کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ۶: ۴۳۲) و نماز یکی از موانع رفتارهای ناشایست از جمله رفتارهای ناشایست جنسی است. طبق آیه ۴۵ سوره عنکبوت، نماز مانع فحشا و منکر است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». روایات متعددی نیز دلالت بر مانعیت نماز از فحشا و منکر دارد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴: ۱۶۱-۱۶۲). البته دوری از فحشا و منکر خود در بهبود شرایط نماز مؤثر است و در این صورت رابطه بین نماز و دوری از فحشا و منکر، دوسویه هم‌افزایانه خواهد بود. طبق یک پژوهش، بین میزان پایبندی به نماز و اضطراب، رابطه معکوس وجود دارد. از سوی دیگر اضطراب و نگرانی یکی از عوامل سوء رفتار جنسی است (سازمان ملی جوانان، به نقل از مرویان، ۱۳۹۵: ۱۰۹) بنابراین نماز یکی از موانع سوء رفتار جنسی است. از طرف دیگر، نماز و به‌ویژه نماز جماعت نوعی تمرین خویش‌داری و تحمل قید و بند است (وثوقی، ۱۳۸۰). نمازگزار تمرین می‌کند کارهایی را که در غیر نماز مجاز است، در نماز ترک کند و در نماز جماعت تحمل پیروی از امام جماعت و قوانین و آداب جماعت، علاوه بر خویش‌داری، پیروی از قانون را نیز تقویت می‌کند. همچنین آشنایی با احکام اصلی روزه و روزه گرفتن در حد توان می‌تواند یک هدف جزئی دیگر مرتبط با تربیت جنسی در دوره ابتدایی باشد. طبق آیه ۱۸۳ سوره بقره، روزه می‌تواند موجب کسب تقوا شود؛ چنان‌که طبق روایات متعدد؛ روزه در هنگام شدت غریزه جنسی، باعث کاهش میل جنسی می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰: ۴۱۱-۴۱۴). یکی از وجوه الزام روزه برای بزرگسالان و تشریح روزه تمرینی برای کودکان در سنین قبل از بلوغ، تمرین تأخیر ارضای امیال شهوانی و مهار خواسته‌های نفسانی خود می‌باشد. طبق روایت، کودکان (پسر) از حدود ۹ سالگی تمرین داده می‌شوند تا روزه بگیرند (دست کم در مدتی از روز). البته عادت دادن به روزه در مورد دختران که در سنین پایین تر به بلوغ شرعی می‌رسند، جدی‌تر پیگیری می‌شود. طبق این توضیحات، این هدف ناظر به هدف میانی خویش‌داری است.

۴. در فعالیتهای گروهی مانند بازی، فعالیتهای علمی، ورزش، فعالیتهای مذهبی، فرهنگی و اجتماعی محیط خود شرکت می‌کند (اهداف دوره‌های تحصیلی شورای عالی آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۷: ۵). شمردن این مسأله به عنوان یکی از اهداف جزئی، به این دلیل است که بر اساس نتایج برخی تحقیقات یکی از عوامل سوء رفتارهای جنسی انزوا و گوشه‌گیری (سازمان ملی جوانان، به نقل از مرویان، ۱۳۹۵: ۱۰۹) و فراغت و بیکاری است (فقیهی، ۱۳۹۱: ۳۷۱-۳۷۲)؛

مصلحی، ۱۳۹۷: ۳۲-۳۴). طبق یک پژوهش، رفع تنهایی و پر کردن اوقات فراغت از مهم‌ترین انگیزه‌های دوستی با جنس مخالف در بین دانشجویان است (میرزایی و برغم‌دی، ۱۳۸۹). این فعالیت‌ها احساس خودارزشمندی را تقویت می‌کند و ناظر به هدف میانی احساس خودارزشمندی است. غنی‌سازی اوقات فراغت نوجوانان یکی از روش‌های کارآمد جلوگیری از سوء استفاده جنسی آنان (هدف میانی چهارم) و نیز یکی از روش‌های پرورش عفاف و حیا است.

۵. حریم خصوصی والدین را می‌شناسد و ادب اجازه گرفتن برای ورود به اتاق آن‌ها را رعایت می‌کند. در قرآن کریم (نور/۵۸، ۵۹) از فرزندان بالغ و غیربالغ خانواده خواسته شده است که در هنگام ورود به اتاق پدر و مادر در زمان‌های استراحت آن‌ها (سحر، ظهر و انتهای شب) از آنان اجازه بگیرند. توجه والدین به رفتار خود در خانه از جمله: لباس پوشیدن، سخن گفتن و رفتارهای جنسی در برابر کودکان، یکی از روش‌های جلوگیری از رشد میل و رفتارهای جنسی زودرس در سنین ۶ تا ۱۲ سالگی است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶-۲۷). رعایت نکردن اخلاق جنسی در خانه مثل برهنگی و پوشش نامناسب والدین، استفاده از کلمات رکیک جنسی (تبریزی و ترابی، ۱۳۹۶: ۳۸). چنان‌که بنا بر برخی روایات، رابطه زناشویی در حضور کودکی که خواب است تأثیر منفی در روان کودک می‌گذارد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۷ الف: ۵۴). لذا این هدف ناظر به هدف میانی حیا است.

۶. دارای ثبات در هویت جنسی است. ثبات در هویت جنسی به این معناست که خود را به عنوان پسر یا دختر پذیرفته و از جنسیت خود راضی است. سلامت یا اختلال در هویت جنسی یکی از عوامل مؤثر بر رفتار جنسی است (فقیهی، ۳۷۶: ۱۳۹۱-۳۸۱). هویت جنسی در حدود ۱۰ سالگی تثبیت می‌شود (نوزبام و روزنفلد، ۱۳۹۱: ۵۰-۵۴). در یک تحقیق طولی که روی کودکان کلاس سوم تا هفتم اجرا شد، کودکانی که نقش جنسی متعارف یافته بودند و آن‌هایی که از جنسیت خود راضی بودند، در سال‌های بعد احساس خودارزشمندی بالایی داشتند. در مقابل، کودکانی که نقش جنسی نامتعارف یافته بودند و آن‌هایی که از جنسیت خود ناخشنود بودند، از لحاظ احساس خودارزشمندی افت کرده بودند. به علاوه، کودکانی که نقش جنسی نامتعارف یافته بودند و از فشار شدید برای تبعیت کردن از نقش‌های جنسی خبر می‌دادند، مشکلات جدی مانند گوشه‌گیری، غمگینی، ناامیدی و اضطراب داشتند (یانگر، کارور و پری، ۲۰۰۴ به نقل از برک،

۱۳۹۲: ۱: ۵۸۰). این هدف ناظر به اهداف میانی احساس خودارزشمندی و صیانت از سوء استفاده جنسی است.

۷. از ارتباط دیداری و فیزیکی با اعضای خصوصی دیگران خودداری می‌کند و به دیگران اجازه ارتباط دیداری و فیزیکی با اعضای خصوصی خود را نمی‌دهد. طبق روایات، کودک با برهنگی کامل در مقابل پدر یا مادر خود یا افراد دیگر (در حمام یا هنگام تعویض لباس) ظاهر نمی‌شود و به بدن آن‌ها در حالی که کاملاً برهنه هستند، نگاه نمی‌کند (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۳: ۱۷۱). و اجازه نمی‌دهد کسی به اعضای تناسلی او دست بزند، نامحرمی او را بغل کند، ببوسد و روی پای خود بنشاند. این هدف نیز مطابق با مضمون روایات متعددی است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰: ۲۲۹). با هیچ شخص دیگری (کودک یا بزرگسال، نامحرم یا محرم و حتی والدین) در یک بستر نمی‌خوابد. این هدف مطابق با مضمون روایات متعددی است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰: ۲۲۹، ۳۱). این هدف ناظر به اهداف میانی حیا و صیانت از سوء استفاده جنسی است.

۸. گرایش علمی، هنری و ورزشی خاص خود را شناخته و در آن فعالیت می‌کند. شناخت استعداد علمی، هنری و ورزشی و فعالیت در مسیر آن، هم احساس خودارزشمندی را تقویت می‌کند و هم تمرکز بر امور جنسی را در سال‌های بعد و دوره نوجوانی کاهش می‌دهد و ناظر به هدف میانی احساس خودارزشمندی است.

۹. با نمونه‌هایی عینی و عملی از رفتارهای همراه با حیا و عفت آشناسی و الگو یا الگوهای عینی در زمینه حیا و عفت دارد و به آن‌ها علاقه‌مند است (ابطحی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۳). این هدف ناظر به هدف میانی حیا است و وابسته به برجستگی صفاتی است که در الگوی عینی وجود دارد.

۱۰. حکمت کسب صفات حیا و عفت و رعایت پوشش مناسب را در حد فهم خود می‌داند. این هدف ناظر به اهداف میانی صیانت از سوء استفاده جنسی، حیا و خویش‌داری است.

علاوه بر اهداف مشترک فوق، هدف زیر مخصوص تربیت جنسی دختران در دوره ابتدایی است که لازم است پیگیری شود: حدود حجاب را می‌داند و به آن علاقه‌مند و پایبند است. از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود پوشش امری فطری، الهی و مطلوب، و برهنگی امری شیطانی و نامطلوب است (اعراف/ ۲۲، ۲۶، ۲۷). لزوم حجاب برای زنان از مسلمات اسلام و مورد اتفاق همه

فرق اسلامی است. طبق فتوای مشهور فقهای شیعه دختران در ۹ سالگی مانند یک انسان بزرگسال موظف به رعایت حلال و حرام و انجام وظایف شرعی از جمله حجاب هستند. حجاب آثار فراوانی دارد، از جمله: تقویت عفاف و حیا، ایجاد مصونیت، آرامش و امنیت برای زنان در محیط جامعه، استحکام و ثبات خانواده، سلامت نسل، ثبات و سلامت اخلاق جامعه، (عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸). از این رو آمادگی برای رعایت حجاب، لازم است کمی قبل از زمان واجب شدن آن برای متریان دختر فراهم شود. نیز دوره ابتدایی زمان مناسبی برای انس گرفتن دانش آموزان دختر با حجاب برتر (چادر) است و در دوره دوم ابتدایی دو هدف اختصاصی زیر باید پیگیری شود: ملتزم به رعایت احکام حجاب و پوشش است و به علائم و احکام شرعی بلوغ (به ویژه عادت ماهانه) آگاهی دارد.

اهداف جزئی را می توان در سه گروه اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری - مهارتی دسته بندی کرد. هدف نهایی، اهداف میانی و اهداف جزئی، به طور خلاصه در نمودار زیر نشان داده شده است.

نتیجه گیری

این پژوهش به دنبال هدف گذاری برای تربیت جنسی در مدارس دوره ابتدایی با نظر به آموزه های اسلامی بود. اهداف تربیت جنسی در این دوره در سه سطح هدف نهایی، اهداف میانی و اهداف جزئی چیده شده است. هدف نهایی تربیت جنسی در دوره ابتدایی عبارت است از: «صیانت از بلوغ زودرس و انحراف جنسی و ایجاد آمادگی برای زندگی عقیفانه در آینده». اهداف میانی تربیت جنسی یا همان ویژگی هایی که متریان این دوره باید در هنگام خروج از این مرحله داشته باشند عبارتند از: احساس خودارزشمندی، خویشنداری، حیا، و دچار نشدن به سوء استفاده جنسی که این اهداف در راستای تحقق هدف نهایی تربیت جنسی باید در برنامه مدارس ابتدایی دنبال شوند. اهداف جزئی ده گانه در راستای تحقق هدف نهایی و اهداف میانی، در سه دسته اهداف شناختی، رفتاری - مهارتی و گرایشی تقسیم بندی شد. اهداف جزئی شناختی عبارتند از: آشنایی با مفاهیم، مصادیق و احکام مذهبی مرتبط با امر جنسی مانند محرم و نامحرم، پوشش و بلوغ (ویژه دختران) و فلسفه آنها، شناخت مفاهیم اخلاقی مؤثر در تربیت جنسی مانند

خویشتر داری، شناخت گرایش علمی، هنری و ورزشی خود و آشنایی با الگوهای عینی حیا و عفاف. اهداف جزئی رفتاری_مهارتی عبارتند از: انجام برخی مناسک دینی به‌ویژه نماز و روزه، شرکت در فعالیت‌های گروهی، مانند بازی، ورزش، فعالیت‌های علمی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی، رعایت حریم خصوصی والدین، خویشتر داری در امور روزمره، پرهیز از ارتباط دیداری و فیزیکی با اعضای خصوصی دیگران و ممانعت از ارتباط دیداری و فیزیکی دیگران با اعضای خصوصی خود. اهداف جزئی گرایشی عبارتند از: علاقه به مناسک مذهبی به‌ویژه نماز و روزه، علاقه به حیا و عفاف و الگوهای عینی آنها، و ثبات هویت جنسی و رضایت از هویت جنسی خود. خوشبختانه در سند تحول بینادین آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۹۰ در موارد قابل توجهی - از جمله فصل پنجم (ص ۲۴)، بند ۹ از فصل دوم (بیانیه ارزش‌ها: ۱۷)؛ هدف عملیاتی سوم (ص ۳۵-۳۶)؛ راهکار دوم هدف عملیاتی ۱۴ (ص ۵۰)؛ راهکار دوم برای تحقق صفات مطلوب پرورش‌یافتگان (ص ۳۴) - به تربیت جنسی توجه شده و بر مفاهیمی مانند حیا، پاکدامنی، عفاف و حجاب تأکید شده است؛ با وجود این، به نظر می‌رسد که اهداف دوره‌های تحصیلی نظام آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۹۷) از حیث تربیت جنسی دچار نقص اساسی است؛ زیرا ناباورانه در این مصوبه از حیا، پاکدامنی، عفاف، حجاب، خویشتر داری و غیرت در هیچ‌یک از اهداف دوره‌های تحصیلی نامی برده نشده است. از دیگر سو اهداف تحصیلی برای پسران و دختران به صورت یکسان تنظیم شده است؛ در حالی که لحاظ تفاوت‌های جنسیتی به‌ویژه در ساحت تربیت جنسی امری لازم و اساسی است. شاید بتوان گفت مجموعه پیشین اهداف دوره‌های تحصیلی (مصوب ۱۳۷۹) از این حیث کم‌عیب‌تر از مصوبه سال ۱۳۹۷ است. با این توضیح، بازنگری در اهداف دوره‌های تحصیلی مصوب ۱۳۹۷ امری ضروری به نظر می‌رسد.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های متعددی از جمله پژوهش فرمینی‌فراهانی (۱۳۸۷)، قبادیان، دهقان و شمخانی (۱۳۹۶)، محمدبیگی، فقیهی و ناطقی (۱۳۹۶)، ابطحی و همکاران (۱۳۹۹) و نیز با اهداف تحصیلی شورای عالی آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۹ و سند تحول بینادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) هم‌راستا و با اهداف تحصیلی شورای عالی آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۷ تا حدی غیرهم‌راستا است.

پیشنهادها به متولیان آموزش و پرورش، از سیاست‌گذار تا معلم، برای دستیابی به اهداف مذکور در این مقاله را می‌شود در دو سطح مطرح کرد. در سطح پیشنهادهای کلی می‌توان گفت: مفاهیم مذکور در اهداف جزئی شناختی، هم به صورت تلفیق با مواد درسی و هم به صورت مستقیم به دانش‌آموزان آموزش داده شود. در بخش اهداف گرایشی، با استفاده از این علاقه‌ها، روان‌شناسی رشد، علاقه‌های دانش‌آموزان در این سنین مشخص شده و با استفاده از این علاقه‌ها، گرایش‌های مذکور در اهداف جزئی گرایشی، ایجاد و تقویت شود. ایجاد، تقویت و نهادینه کردن رفتارها و مهارت‌های مذکور در اهداف رفتاری_مهارتی نیز هم به واسطه تغییر شناخت‌ها و گرایش‌ها که در دو دسته اهداف شناختی و گرایشی گفته شد و هم از طریق روش‌ها و راهکارهای مستقیم اصلاح و تغییر رفتار قابل تحقق است. در سطح پیشنهادهای جزئی و نزدیک‌تر به عمل نیز می‌توان گفت: خویشنداری و مقدمات آن مانند صبوری، قناعت و تأخیر ارضای امیال در سطح مدرسه و کلاس تمرین داده شود. این کار می‌تواند در قالب‌هایی مانند بازی و مسابقه صورت گیرد. با توجه به سن و جنسیت دانش‌آموزان، با همراه کردن نماز، روزه و مناسک مذهبی با اموری که در نظر دانش‌آموزان جذاب است، دانش‌آموزان را نسبت به مناسک مذهبی به‌ویژه نماز و روزه علاقه‌مند کرد. مثلاً در ایامی که روزها کوتاه است، تعیین روزهایی به عنوان جشن روزه، و افطاری دسته‌جمعی در مدرسه، می‌تواند به این امر کمک کند. برای تقویت احساس خودارزشمندی و غنی‌سازی اوقات فراغت، شناسایی استعدادها، علمی، ورزشی و هنری دانش‌آموزان در اولین فرصت ممکن، پیگیری شده و پرورش این استعدادها جدی گرفته شود. اجرا کردن واقعی طرح ملی شهاب می‌تواند زمینه مناسبی برای این کار باشد. با ارتباط با والدین دانش‌آموزان، چه به صورت حضوری و چه در بستر فضای مجازی، مراقبت‌هایی که لازم است در خانه در خصوص رفتارهای جنسی خود در حضور فرزندشان و مراقبت از آنان در مقابل آسیب‌های فضای مجازی و واقعی داشته باشند، به والدین آموزش داده شود. برای تثبیت هویت جنسی، به ویژه برای دختران که از این جهت بیشتر در معرض خطر هستند، با بیان امتیازات و نقش‌های ویژه هر جنس، از اختلال در هویت جنسی آنها جلوگیری شود. چهره‌هایی که به لحاظ علمی، هنری، ورزشی و ... نزد دانش‌آموزان محبوبیت دارند و در عین حال در حیا و عفاف نیز الگو هستند به دانش‌آموزان معرفی شوند. گزینش و تربیت معلمان خویشندار و متدین که خود

الگوی احساس خودارزشمندی، حیا و عفاف باشند در این زمینه نقش اساسی دارد. همچنین در تمام طول تحصیل در مقطع ابتدایی، مفاهیم اخلاقی و دینی مرتبط با امر جنسی، متناسب با این مقطع، باید به صورت تدریجی، مستمر و از ساده به دشوار، به دانش‌آموزان یادآوری و برای آنها تبیین شود.

چنان‌که گفته شد تمرکز این پژوهش بر اهداف تربیت جنسی برای دوره ابتدایی بوده است و تعیین اهداف تربیت جنسی در دوره‌های دیگر تحصیلی و نیز تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت جنسی با رویکرد اسلامی در دوره‌های مختلف تحصیلی می‌تواند موضوعاتی برای پژوهش‌های دیگر باشند. همچنین پژوهش برای تعیین این عناصر در محیط‌های دیگر پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابراهیمی هرستانی، اصغر؛ مهram، بهروز؛ لیاقت دار، محمد جواد؛ واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش‌آموزان پسر دوره‌های راهنمایی تحصیلی؛ پژوهش در برنامه ریزی درسی؛ بهار ۱۳۹۴، شماره ۴۴: ۲۶-۴۰.
- ابطحی، سیدعبدالحمید؛ کمن، محمدرضا؛ معینی، محمدحسین؛ صنایع‌پسند، محسن؛ ۱۳۹۹؛ تربیت جنسی در مدرسه (مجموعه اقدامات با رویکرد تربیت دینی)؛ موسسه مطالعات تعالی نسل (متن)؛ تهران؛ خسرو خوبان.
- احمدی، علی‌اصغر؛ ۱۳۹۷؛ چیستی تربیت جنسی، شورای عالی آموزش و پرورش.
- احمدی، علی‌اصغر؛ ۱۳۹۹؛ در «تربیت جنسی در مدرسه (مجموعه اقدامات با رویکرد تربیت دینی)»؛ موسسه مطالعات تعالی نسل (متن)؛ تهران؛ خسرو خوبان.
- امینی، محمد؛ تمنایی فر، محمدرضا؛ پاشایی، رقیه؛ بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه‌ی درسی دوره‌های متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان؛ پژوهش‌های برنامه درسی، بهار و تابستان ۱۳۹۰، دوره اول- شماره ۱: ۱۶۹-۲۰۲.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۹، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- برآبادی چهارطاقی، مهدی؛ ۱۳۹۹؛ تئوری اثر پروانه‌ای در مدیریت؛ فصلنامه پژوهش‌های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری؛ سال دوم؛ شماره ۴، بهار ۱۳۹۹، ص ۸۰-۹۰.
- بنی‌هاشمی، سیدمحمد؛ ۱۳۸۹؛ درآمدی بر تربیت عقلانی؛ به قلم سعید مقدس؛ تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
- پسندیده، عباس، ۱۳۹۶، روش مفهوم‌شناسی موضوعات اخلاقی و کاربردی آن در مفهوم حیا، اخلاق و حیاتی، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۶۷-۹۵.
- پسندیده، عباس؛ ۱۳۸۵؛ پژوهشی در فرهنگ حیا؛ قم، دارالحدیث.

- تبریزی، مصطفی؛ ترابی، زهرا، ۱۳۹۶، آموزش مسائل جنسی به کودک و نوجوان (پاسخ‌های مناسب برای سؤال‌های کودکان)، تهران؛ فراوان.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ ۱۴۰۹ ق؛ وسائل الشیعه؛ قم؛ مؤسسه آل‌البت علیهم السلام. (نرم‌افزار جامع الاحادیث، موسسه تحقیقات کامپیوتری نور).
- دبس، موریس؛ ۱۳۸۲؛ مراحل تربیت؛ ترجمه علیمحمد کاردان؛ تهران؛ دانشگاه تهران.
- رفیعی‌هنر، حمید؛ ۱۳۹۵؛ روان‌شناسی مهارت‌آموزی؛ قم؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شرفی، محمدرضا؛ ۱۳۸۳؛ دنیای نوجوان؛ تهران؛ موسسه فرهنگی منادی تربیت.
- شرفی، محبوبه؛ آرمان، سرور؛ کهن، شهناز؛ بانکی‌پور فرد، امیرحسین، ۱۳۹۷ الف، تربیت جنسی کودکان ۱، آگاهی‌ها و مهارت‌های والدین به‌منظور تربیت جنسی کودکان از بدو تولد تا ۶ سال، اصفهان، انتشارات حدیث عشق.
- شرفی، محبوبه؛ آرمان، سرور؛ کهن، شهناز؛ بانکی‌پور فرد، امیرحسین، ۱۳۹۷ ب، تربیت جنسی کودکان ۲، آگاهی‌ها و مهارت‌های والدین به‌منظور تربیت جنسی کودکان ۶ تا ۱۲ سال، اصفهان، انتشارات حدیث عشق.
- شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۷۹، اهداف دوره‌های تحصیلی، پورتال شورای عالی آموزش و پرورش.
- شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، پورتال شورای عالی آموزش و پرورش.
- شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران.
- شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۷، اهداف دوره‌های تحصیلی، پورتال شورای عالی آموزش و پرورش.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، میزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (نرم‌افزار جامع التفاسیر، موسسه تحقیقات کامپیوتری نور).
- عباسی، مهدی، ۱۳۹۶، الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی، قم؛ دارالحدیث.
- عظیمیان، مریم؛ بهشتی، سعید؛ ۱۳۸۸؛ بررسی فلسفه و قلمروی حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن؛ تربیت اسلامی؛ س ۴، ش ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۷۵-۱۰۳.
- فرمehنی‌فراهانی، محسن، ۱۳۸۳؛ محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه، دانشور رفتار، شماره ۹، اسفند ۱۳۸۳، ص ۱-۱۴.
- فرمehنی‌فراهانی، محسن؛ ۱۳۸۷؛ نگاهی گذرا بر تربیت جنسی در دوره‌های مختلف تحصیلی؛ سلامت روان، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۷، ص ۱۹-۲۸.
- فریتاس، کریستال؛ ۱۳۹۶؛ کلیدهای آموزش و مراقبت از سلامت جنسی در کودکان و نوجوانان، ترجمه سارا رئیسی طوسی، تهران؛ انتشارات صابرین.
- فقیهی علی‌نقی؛ ۱۳۹۷؛ تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث؛ قم؛ دارالحدیث.
- فینکه، رگینا؛ ۱۳۹۶؛ تربیت جنسی کودکان؛ ترجمه لیلا لفظی؛ تهران؛ موسسه ذکر.
- قبادیان، مسلم؛ دهقان، سعید؛ شمخانی، اژدر؛ ۱۳۸۹، تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد اسلامی بستری برای صیانت از جراثم و انحرافات؛ تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۶۹-۲۱۰.
- قلناش، عباس؛ محمدجانی، صدیقه، ۱۳۹۷، طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت جنسی بر اساس مبانی تربیت اسلامی، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال سوم، شماره ۳، شماره پیاپی ۸، پاییز ۱۳۹۷، ص ۱۰۱-۱۳۰.

هدف‌گذاری تربیت جنسی برای مدارس دوره ابتدایی با نظر به آموزه‌های اسلامی

- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۲۹ ق، کافی (ط - دار الحدیث)، قم؛ دارالحدیث. (نرم‌افزار جامع الاحادیث، موسسه تحقیقات کامپیوتری نور).
- محمدیگی، رضا؛ فقیهی، علیرضا؛ ناطقی، فائزه؛ ۱۳۹۶، طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی تربیت جنسی در دوره ابتدایی؛ مجله: روانشناسی تربیتی؛ سال ۱۳، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۶، ص ۲۱ - ۳۹.
- محمدی، مهدی؛ مرزوقی، رحمت‌الله؛ ۱۳۹۱؛ پیش‌فرض‌های برنامه درسی آموزش سلامت جنسی از منظری اسلامی؛ پژوهش‌های برنامه درسی ایران، دوره دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۵۳-۸۹.
- مرویان حسینی، سیدمحمود، ۱۳۹۵، تربیت جنسی در اسلام، آموزه‌ها و راهکارها؛ دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مصلحی، جواد، ۱۳۹۷، تربیت جنسی فرزندان: عوامل، روش‌ها و راهکارها، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، بی‌تا، مجموعه آثار، نرم‌افزار مجموعه آثار استاد مطهری، مؤسسه تحقیقات کامپیوتری نور.
- میرزایی، خلیل؛ برغمندی، هادی، ۱۳۸۹، رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن، مجله رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۴، ص ۱۳۱-۱۵۸.
- نوزبام، مارگارت؛ روزنفلد، جو آن؛ ۱۳۹۳؛ بهداشت و سلامت جنسی از کودکی تا سالمندی؛ ترجمه مریم شبیرمحمدی، ریحانه فیروزی؛ تهران؛ انتشارات ارجمند.
- وٹوقی، فاطمه؛ ۱۳۸۰؛ آثار فرهنگی، اجتماعی و تربیتی نماز جماعت؛ مجله پاسدار اسلام شماره ۲۴۰.

